

بسم الله الرحمن الرحيم

گزارش سخنرانی علمی به مناسبت روز ملی خلیج فارس

عنوان سخنرانی: "تبیین الگوی رقابت در منطقه ژئوپلیتیکی خلیج فارس"

تاریخ برگزاری: ۱۴ اردیبهشت ۱۳۹۳

مکان: تهران، دانشگاه تربیت مدرس، سالن شهید مطهری

برگزار کننده: انجمن علمی/دانشجویی جغرافیای سیاسی

سخنران: دکتر محمدرضا حافظ نیا

تدوین کننده: هادی سیفی فرزاد

مکان و فضای جغرافیایی چارچوبی تصویری از خود، برای انسانها ایجاد می کند. تصویری از هویت و خود متفاوت از دیگری که در درون ظرف مکان و فضای جغرافیایی شکل میگیرد. این عامل نیرو و انرژی لازم را برای مهر و عاطفه مکانی/فضایی نسبت به زادگاه و زیستگاه و نیز حس وطن دوستی و ملت گرایی و کشور دوستی در انسانها ایجاد می کند. چنین احساسی سرچشمه ایجاد یک نیروی سیاسی قوی برای مکان گرایی، محلی گرایی و نهایتاً ملی گرایی یا ناسیونالیسم می باشد. نیرویی که به انسجام و اتحاد افراد ساکن در مکان، فضا و کشور یا ملت کمک کرده و علت وجودی کشور را ایجاد می کند.

فلسفه وجودی و شکل گیری چنین سخنرانیهایی هم، همین موارد فوق می باشد که نشانگر حس ملی گرایی در مای ایرانی می باشد. به همین دلیل است که در این زمینه مراسم، همایش ها، سخنرانی های بسیاری انجام می گیرد که خروجی جزء تقویت و ایجاد حس ناسیونالیسم در مای ایرانی ندارد. حسی که موجب منسجم شدن مای ایرانی شده است. در برابر تهدیدی که متوجه خلیج فارس و مالکیت این مکان جغرافیایی می باشد.

تهدید در خلیج فارس به دو مسئله مربوط است : ۱. تهدید هویت ۲. تهدید مالکیت؛ که در مجموع تهدید حاکمیت را شامل می شود. تعرض و تهدید پلاک فارس بودن یک خلیج، تهدید هویت و مالکیت را در پی دارد. پلاکی که نشان از هویت، فرهنگ و تاریخ یک ملت است، مورد تهدید قرار می گیرد و همین تهدید در داخل مرزهای ایران موجب انسجام و به هم نزدیک شدن بیشتر آحاد ملت ایران در برابر تهدید و تهدید کننده میشود؛ به طوری که روح ناسیونالیسم را تقویت کرده و یک سازه ملی را در برابر سازه های دیگر قرار می دهد. همین تهدیدها از سویی دیگر در بیرون از سازه ملی موجب ایجاد شکاف، مرز و جدایی از دیگری (تهدید کننده) می شود. تهدید در درون کشور انسجام و اتحاد ایجاد کرده و در بیرون آن شکاف و مرز را توسعه می دهد.

ملت ها تعرض به هویت خودشان را بر نمی تابند. هویت ملی زیر بنا و زیر ساخت ناسیونالیسم می باشد. به گونه ای که ابتدا هویت ملی شکل می گیرد و بعد منافع ملی معنا پیدا می کند و در ادامه از درون اینها نیروی سیاسی ناسیونالیسم متولد می شود.

چنین تعرض و تهدیدهایی موجب تقویت انسجام و اتحاد در داخل ایران می شود و به همان نسبت شکاف و جدایی را از دیگران ایجاد می کند. مسئله نام خلیج فارس و تعرض و تهدید به نام ادراک شده آن توسط یک ملت، نیاز به واکاوی و مطالعات عمیقی دارد؛ که چرا چنین اتفاقی افتاده است و چرا هنوز ادامه دارد؟ چه عواملی با بازیگری خود موجب می شوند که انسجام درونی از سویی و افتراق در مقابل تهدید بیرونی از سویی دیگر بیشتر شود؟

البته نیاز به تاکید دوباره است که دیگر ارزش تهدید شده در این منطقه، ارزش مالکیتی است؛ مالکیت جزایر سه گانه که ملتی باور دارد که متعلق به اوست و در این بین سازه دیگری هم مدعی آن است و نیز دیگرانی که از این ادعا حمایت میکنند. با این شرایط ملت ایران احساس خطر میکند، احساس خطری که منشا واقعی دارد. به گونه ای که اگر این سه جزیره

مورد تعرض مالکیتی قرار بگیرد حدود ۲۰ اثر منفی بر حیات ملی ایرانیان از خود بجا می گذارد.

این رویدادها و بحث هایی که امروزه شاهد آن هستیم و هر ساله هم به نوعی تکرار می شود، موجب شکل گیری نوعی افراط در جامعه خودمان در سطوح حکومتی، شهروندی و نخبگانی شده است که باز هم جای مطالعه دقیقتر و واکاوی همه جانبه آنرا دارد. " همه این موارد نماد و نمودی است از رقابتی که در منطقه ژئوپلیتیکی خلیج فارس وجود دارد". با توجه به موضوع بحث که رقابت می باشد، سوالات گوناگونی مطرح می شود:

۱. آیا رقابتی در این منطقه وجود دارد یا نه؟ ۲. اگر رقابت وجود دارد منشا آن چه چیزی می تواند باشد؟ ۳. این رقابت چه بازتاب هایی را در فضای جغرافیایی دارد؟ ۴. اصلا چرا این فضا دارای رقابت است؟ ۵. تمایز این الگوی رقابت با الگوی رقابت های دیگر چیست؟ ۶. آیا این الگوی رقابت اختصاصی و درون منطقه ای است؟ ۷. آیا این الگوی رقابت با سطوح و فضاهای دیگری هم پیوند خورده است؟ ۸. الگوی رقابت در این منطقه چند سطحی است؟ و دارای چه نوع ارزشی است؟ ذاتی یا اعتباری و ...

"مسئله رقابت در منطقه ژئوپلیتیکی خلیج فارس، کمتر در گفتمان ها و محافل داخلی مورد توجه قرار گرفته است. به طوری که بیشتر بحث های این منطقه سطحی، توصیفی و در مورد نام و تاریخ خلیج فارس بوده و یا مسائل حقوقی است که مالکیت را در آن بررسی می کند."

الگوی رقابت موجود در منطقه گاهی موجب یک سری فعالیت های هیجان انگیز احساسی و افراطی در داخل جامعه ایران و نیز طرف مقابل می شود که از نظر منطق ژئوپلیتیکی معقولانه نیست؛ و تنش را افزایش می دهد. باید توجه شود که رسانه ها، فعالین حوزه سیاست و برخی نخبگان با مدرک دانشگاهی به چنین تنش هایی دامن می زنند، زیرا بنظر میرسد که با گسترش تنش سودی برای آنها متصور می باشد. بحرانی که اکنون در خلیج فارس وجود دارد و در سال های اخیر تشدید شده، واکاوی علت های آن را یک ضرورت اساسی کرده است، که چرا چنین

اتفاقاتی می افتد و هدف، دامنه و ادامه بحران تا به کجاست؟ تنش‌ها که ما را در یک شرایط متناقضی در حیات منطقه ای قرار می دهد.

سوال اساسی که مطرح می شود این است که آیا منطقه ژئوپلیتیکی خلیج فارس برای ما مهم است؟ مسلماً جواب آری است. پس اگر مهم است آیا چنین تنش‌هایی ما را از منافع کلی منطقه ای ما دور نمی کند؟ آیا این امر تخم کینه و دشمنی را در منطقه خلیج فارس توسعه نمی دهد و نهادینه نمی کند؟

حساسیت ملی ایجاد شده در رابطه با دو ارزش هویت و مالکیت تهدید شده ما در منطقه خلیج فارس بدون تردید امر پسندیده ای است، اما افراطی شدن این حساسیت ما را دچار مشکلات دیگری خواهد کرد که منافع با ارزش کشور ایران را در منطقه خلیج فارس با چالش روبرو خواهد کرد. "زمانی که راجع به خلیج فارس بحث می شود جریانات و سخنرانی‌های هیجان‌انگیزی را ایجاد می کنند در صورتی که غافل از آنند که در تله مشکلات دیگری قرار می گیریم و از تعادل و عقلانی بودن رابطه فاصله می گیریم."

کشور ایران از نظر حیات ملی یک سری منافع با ارزشی در منطقه خلیج فارس دارد که حیات ایرانی را به آن وابسته کرده است. اما با افراطی‌گری در این حوزه چنین ظرفیت‌های مهمی را از بین می برد. "ایران از منظر ژئوپلیتیک قدرت برتر منطقه خلیج فارس است و از گذشته بدون توجه به رژیم‌های مختلف، همواره به دنبال همگرایی در منطقه خلیج فارس بوده است، زیرا که همگرایی در این منطقه با تامین منافع ملی ایران به عنوان قدرت برتر در ارتباط است. بنابراین همگرایی در منطقه ژئوپلیتیکی خلیج فارس سیاست فرا رژیمی است که با منطق ژئوپلیتیک هماهنگی دارد." لازمه تحقق چنین سیاستی اگر که از حیث نظری امکان پذیر باشد وجود یک فضای صمیمی در منطقه خلیج فارس است. پر واضح است که اگر با هیجانات افراطی، شکاف و تنش را در این منطقه افزایش دهیم دیگر نمی توان به دنبال سیاست همگرایی در این منطقه بود. در حالیکه این سیاست برای منافع ایران در منطقه اهمیت

حیاتی دارد. ایران ناگزیر است که چنین سیاستی را در پیش بگیرد. زیرا که تنها بازیگر برتر در منطقه خلیج فارس به حساب می آید که می تواند به طور طبیعی برای خود قلمرو سازی ژئوپلیتیکی انجام دهد. با همین قلمرو سازی است که می تواند از ارزش های ملی خود در منطقه خلیج فارس از جمله حفظ نام خلیج فارس و مالکیت ایران بر جزایر سه گانه و تسلط بر نیمه شمالی خلیج فارس دفاع کند و اثر سیاست های متعارض را کمتر کند.

در مقابل اگر افراط گری ها شرایطی را ایجاد کند که ملت ها در برابر هم قرار بگیرند، دشمنی و کینه در منطقه نهادینه می شود و همگرایی یک عمل دست نیافتنی می شود. عدم توانایی ایران در قلمرو سازی ژئوپلیتیکی باعث می شود که ارزش های مزبور همواره مورد تعرض و تجاوز قرار گیرند.

"این دیدگاه نظری در برابر شرایط و بحث های افراطی کنونی یک دیدگاه کاملا انتقادی است که شرایط استراتژی قلمرو سازی ژئوپلیتیکی ایران را تهدید می کند."

ایران ناچار است که در این منطقه قلمرو سازی ژئوپلیتیکی داشته باشد. زیرا که نصف منطقه در مالکیت ایران قرار دارد و جزء قلمرو و سرزمین جغرافیایی کشور ایران می باشد. به همین دلایل ایران باید در منطقه خلیج فارس مسئولیت قبول کند. مسئولیت حفاظت از سیستم ژئوپلیتیکی منطقه خلیج فارس. زیرا این ایران است که بیشترین منافع را در این منطقه دارد و سازه های ملی بعدی در سطوح دیگر قرار می گیرند.

متأسفانه با این وجود در ایران و در داخل کشور رسانه ها و افرادی وجود دارند که همواره بر گسترش چنین شکافی تأکید می کنند که بنظر میرسد بیشتر به دلیل منافع شخصی یا گروهی آنها است. این چنین اقداماتی مانع دیده شدن واقعیت های ژئوپلیتیکی در منطقه توسط ایران می شود و با ایجاد یک جریان احساسی، منافع ملی ایران را تهدید می کنند و رسیدن به آنها را دشوارتر.

"همیشه به دنبال این نباشید که بحران ها چرا حل نمی‌شوند؟ زیرا جریانات سیاسی و گروه‌هایی هستند که از حل نشدن بحران-ها سود اقتصادی، رسانه ای و سیاسی می‌برند و برای همین در متشنج کردن بیشتر اوضاع، فعالیت خود را برنامه‌ریزی می‌کنند".

سیستم ژئوپلیتیکی منطقه خلیج فارس شامل ۸ کشور می‌شود که این سیستم همچنان که مشخص است آب پایه بوده و هسته مرکزی آن را همان حوضچه آبی خلیج فارس تشکیل می‌دهد. خلیج فارس به مانند سفره ای است که این ۸ کشور دور آن جمع شده اند و این حوضچه سطح تماس این ۸ کشور را تشکیل می‌دهد. این منطقه ژئوپلیتیکی دارای یک شکاف استراتژیک و طبیعی است. شکاف استراتژیک این منطقه ژئوپلیتیکی چند دلیل و شاخصه دارد که دقیقا از خط القعر خلیج فارس شروع می‌شود و بعد از گذشت از تنگه هرمز تا رودخانه دجله و بین النهرین ادامه پیدا می‌کند تا این که حتی به کوههای ترکیه می‌رسد.

این شکاف و گسل بزرگ ژئوپلیتیکی باعث ایجاد و جدایی دو سازه جدا از هم می‌شود: ۱. سازه تمدن ایرانی ۲. سازه تمدن سامی و عربی. سطح تماس و اصطکاک این دو سازه همان خط القعر خلیج فارس است که حتی در بسیاری موارد مسائل نظامی را شامل می‌شود. این گسل از گذشته ها فعال بوده و با فعالیت در زمان حال، همچنان نقش خود را در آینده ادامه خواهد داد. این گسل به لحاظ استراتژیکی از بین رفتنی نیست و به نوعی حتی جبر است که بسیاری از مسائل را مشخص و تحت تاثیر قرار می‌دهد. این شکاف پر شدنی نیست حتی با روی کار آمدن دولت شیعی در عراق؛ زیرا که سیاستمداران عراقی بعد از آن رسماً اعلام کردند که ما هویتی عربی داریم، یعنی ما عرب هستیم و جزء سازه سامی. بدین ترتیب در مقابل ایران قرار می‌گیرند.

بنابراین ریشه‌ی اختلافات در خلیج فارس به همین گسل ژئوپلیتیکی و استراتژیکی بر می‌گردد. باید توجه داشت که شکاف و گسل واقعیتی غیر قابل انکار است. ولی آنرا بصورت تاکتیکی باید مدیریت کرد و بر روی آن پل زد تا امکان توسعه روابط وجود داشته باشد. مدیریتی که پشتوانه

دیپلماسی داشته باشد. شکاف ها و گسل های ژئوپلیتیکی نفی شدنی نیستند ولی مهار شدنی اند به طوری که در سطح تاکتیکی می توانیم در منطقه همگرایی داشته باشیم (با مدیریت و قدرت دیپلماسی) علی رغم این که در سطح استراتژیک شکاف داریم. سطح تاکتیکی یعنی شعور به منافع مشترکی که در آن منطقه وجود دارد که تنها از طریق همگرایی قابل دسترسی است.

در فضای جغرافیای منطقه ژئوپلیتیکی خلیج فارس، هم به مانند سایر مناطق، نیروهای همگرا و واگرا وجود دارد. با بررسی شرایط منطقه اگر متوجه شدیم که رقابت در منطقه بیشتر شده است باید به این نتیجه پی برد که نیروهای همگرا ضعیف شده اند و نیروهای واگرا قدرت بیشتری گرفته اند. در این مورد باید توجه داشت که نقش مدیریت سیاسی فضا که کار جغرافیدان سیاسی است پر رنگتر می شود. جغرافیدان سیاسی در فضای جغرافیایی باید نیروهای همگرا و واگرا را شناسایی و طوری مدیریت کنند که باعث تقویت نیروهای همگرا شود.

"هیچ کشوری در منطقه ژئوپلیتیکی خلیج فارس به اندازه ایران آسیب پذیر نیست. بنابراین باید مدیریت درست سیاسی فضای منطقه را مد نظر قرار دهد و آنرا به دست گیرد." همچنین امنیت این منطقه را جزء اصول استراتژی ملی خود قرار دهد. همگرایی در منطقه ژئوپلیتیکی خلیج فارس باید جزء اصول اصلی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران قرار بگیرد؛ نه این که به دلیل مسائل هیجانی و احساساتی در منطقه خلیج فارس تنش ایجاد کنیم و به دلیل یک سری انگاره های منفعتی کوتاه مدت، منافع پایدار کشور خود را در خلیج فارس آسیب پذیر کنیم.

رقابت اصلی در منطقه ژئوپلیتیکی خلیج فارس بین ایران و عربستان به عنوان دو سوی گسل و سر سازه های تمدن ایرانی و سامی می باشد. باید توجه کرد که عقبه این رقابت به کل جهان اسلام کشیده شده است. در رقابت بین این دو کشور، سایر قدرت های مداخله گر نیز نقش بازی میکنند. به گونه ای که موجب نزدیکی عربستان به آمریکا و ایران به روسیه شده اند. رقابت بین این دو سر سازه در طول زمان با توجه به

سیاست دولت ها، گاهی به اوج رسیده و گاهی در آرامش بوده است. البته باید توجه داشت که عراق هم در این منطقه از مدعیان قدرت می باشد. در واقع ساختار قدرت در خلیج فارس بین ایران، عربستان و عراق شکسته شده است.

خلاصه بحث اینکه استراتژی ایران نسبت به منطقه ژئوپلیتیکی خلیج فارس باید استراتژی همگرایانه باشد. برای شروع این همگرایی باید ساز و کارهایی فکر شود؛ که یکی از این ساز و کارها تاسیس یک سیستم همکاری اقتصادی فراگیر درون منطقه ای است، که پتانسیل تاسیس چنین سیستمی در منطقه وجود دارد. از دید ژئوپلیتیکی یک فضای پرتنش را می توان با استفاده از ساز و کارهای سیستم همکاری اقتصادی منطقه ای کنترل و مدیریت کرد. به عبارتی راه ایجاد همگرایی تدریجی در یک منطقه پرتنش به مانند منطقه ژئوپلیتیکی خلیج فارس ایجاد سیستم همکاری درون منطقه ای اقتصادی می باشد. که با انجام چنین اقداماتی ایران بیشترین سود را نیز نسبت به سایر کشورهای منطقه خواهد برد.